

## راهبردها و مهندسی فرهنگی امام هادی (ع) در مواجهه با اهل سنت

\* اصغر منتظرالقائم

\*\* مصطفی پیرمردیان

\*\*\* زهرا سلیمانی

[تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۱۰]

### چکیده

عصر امامت امام هادی (ع) هم‌زمان با شش تن از خلفای عباسی بود که با استفاده از شیوه‌های مختلف سعی در محدود کردن ائمه داشتند. در این دوره شاهد گسترش فرقه‌های کلامی و جریان‌های شیعی هستیم. صاحبان ادیان و اندیشه‌های غیراسلامی نیز کنار مسلمانان زندگی می‌کردند. فرقه‌های فقهی اهل حدیث نیز در این زمان فعال بودند. در زمان امام هادی (ع) نخستین بار تقابل علمی امامیه با چهار مذهب رایج اهل سنت مشاهده می‌شود. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی با تکیه بر منابع اولیه به بررسی و شناخت راهبردها و مهندسی فرهنگی امام هادی (ع) در مواجهه با اهل سنت می‌پردازد؛ راهبردهایی مانند استفاده از اصول مورد پذیرش اهل سنت برای استدلال و گفتمان فرهنگی، پاکسازی مذهب شیعه از جریان‌های انحرافی داخلی و بیان ویژگی‌های واقعی امام نمونه‌هایی از راهبردهای امام در مواجهه با این گروه است.

کلیدواژه‌ها: امام هادی (ع)، راهبرد، مهندسی فرهنگی، اهل سنت.

\* استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). montazer5337@yahoo.com

\*\* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. mostafapirmoradian@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان، zahraSOLEIMANY@yahoo.com

## مقدمه

شرایط امامان شیعه در عصر حاکمان اموی و عباسی و نیز حضور فعال و دشمنی رقبای فکری آنها سبب بروز احتجاجات، مناظرات و طبعاً برخوردهایی از سوی دو طرف می‌شد. مسلماً ائمه (ع) تلاش می‌کردند به هر نحوی، شیعیان را منسجم کنند و با برخورد عالمانه، از اختلافات آنان بکاهند. البته برخورد ایشان با گروه‌های مخالف یکسان گزارش نشده است؛ چنان‌که امام هادی (ع) در برخوردی کوتاه با فردی نصرانی و با نشان دادن کرامتی، سبب هدایت او شدند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۶۱/۵۰-۱۶۲)، اما درباره غالیان منحرف، شدیدترین تعابیر را داشتند و گاهی خون آنان را هدر می‌دانستند (کشی، ۱۴۰۴: ۲۰۶).

آنچه از مجموعه برخوردهای اخلاقی، کلامی و معرفت‌شناسانه اهل بیت با این گروه‌ها به دست می‌آید، این است که تقابل آن بزرگان با هدف امر به معروف و نهی از منکر به شیوه جذب و هدایت‌گری و بر پایه وحدت‌طلبی بوده است. در واقع سیره ثابت این بزرگواران در مواجهه با تنوع جریان‌های کلامی، فکری، فرهنگی، فقهی و... کریمانه، همراه با جدال احسن، رعایت ادبیات نقد و با هدف هدایت بوده است (آفانوری، ۱۳۸۷: ۵۸-۵۹). در ادامه واژه‌های راهبرد و مهندسی فرهنگی را تعریف، سپس به تبیین موضوع مقاله می‌پردازیم.

راهبرد (Strategy) مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته و بعداً در سایر عرصه‌ها از جمله اقتصاد، تجارت و به ویژه عرصه سیاست و مملکت‌داری به کار رفته است. ریشه واژه «استراتژی» واژه یونانی «استراتژیا» (Strategia) به معنای فرماندهی و رهبری است. اما معنای ساده استراتژی عبارت است از طرحی عملیاتی به منظور هماهنگی و سازماندهی اقداماتی برای دستیابی به هدف (دیوید، ۱۳۹۴: ۱۵).

مهندسی فرهنگی (Cultural Engineering) نیز عبارت است از طراحی نظام‌های جدید تغییردهنده فرهنگ موجود که می‌تواند با ایجاد تغییراتی گسترده در نظام‌های موجود فرهنگ‌ساز جامعه، تحولات و تغییرات تدریجی جامعه را به سمت تحقق اهداف فرهنگ‌ساز پیش‌تعریف‌شده هدایت کنند (ودادی و دشتی، ۱۳۸۶: ۷۳). مهندسی فرهنگی به نظام‌ها، فرایندها، جایگزین‌ها و فرمولی مرتبط با پاسخ‌های خلاقانه به چالش‌های توسعه نهادهای فرهنگی و تشویق مردم به مشارکت در حیات فرهنگی جامعه می‌پردازد (ودادی و عباسعلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۱).

با وجود امامت طولانی مدت امام هادی (ع)، بسیاری از فعالیت‌های آن حضرت از دید مورخان پنهان مانده و در کتب تاریخ عمومی اطلاعاتی کلی از زندگی حضرت گزارش شده است. تحقیقات جدید نیز کمتر به این مقوله پرداخته‌اند. چنان‌که برنارد لويس (B. Lewis) نویسنده مقاله امام هادی در مجموعه تصویر/امامان شیعه در *دائرة المعارف اسلام*، در معرفی امام هادی (ع) موفق نبوده و نتوانسته است تحقیق علمی شایسته‌ای ارائه دهد (نک: لويس، ۱۳۸۵). شاکله اصلی تفکر وی را آثار مستشرقان پیشین و منابع اهل سنت تشکیل می‌دهد. وی در معرفی امام، تنها به بیان تاریخ تولد، وفات و انتقال ایشان از مدینه به سامرا اشاره کرده و به موقعیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی زمانه و واکنش امام به جریانات و تحولات اجتماعی و فکری- فرهنگی در مقام رهبر شیعیان اشاره‌ای نکرده است. لذا مقاله وی در معرفی زندگی امام هادی (ع) بنیه‌های تحقیقی لازم را ندارد و نمی‌توان آن را تحقیقی درخور دانست.

در این مقاله به بررسی نحوه تعامل امام هادی (ع) با اهل سنت به عنوان جریان فکری- فرهنگی، با صبغه فقهی و تاثیرگذار بر جامعه می‌پردازیم. نوشته حاضر برای رسیدن به اهداف تحقیق، در ادامه به پرسش‌هایی پاسخ می‌دهد که عبارت‌اند از:

- جریان‌های فقهی اهل سنت وابسته به خلافت در عصر امام هادی (ع) کدامند؟
- راهبردهای مهندسی فرهنگی امام هادی (ع) در مواجهه با فرق اهل سنت چه بود؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤالات، این فرضیه به آزمون گذاشته شده است که در عصر امام هادی (ع) جریان‌های فقهی وابسته به خلافت، همچون شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی به طور فعال حضور داشتند و امام در مواجهه با ایشان، به تحریک احساسات به ظاهر مذهبی نمی‌پرداختند؛ بلکه با بیان استدلالات قرآنی و سنت واقعی و عقلی با ایشان رفتار می‌کردند.

### عصر امامت امام هادی (ع)

امام هادی (ع) در نیمه ذی‌حجه سال ۲۱۲ ق. در صریا (نزدیکی مدینه) متولد شد. نام مبارکش «علی» و کنیه‌اش «ابوالحسن» و لقب مشهورش «هادی» و «نقی» می‌باشد. ایشان در ذی‌حجه ۲۲۰ ق. پس از شهادت پدر بزرگوارشان در حدود هشت سالگی به

امامت رسید و طی ۳۳ سال به ادای وظیفه امامت پرداخت. ۱۳ سال از این دوران را در مدینه و ۲۰ سال نیز در سامرا سپری شد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۴۰۷). دوران امامت پیشوای دهم هم‌زمان با حکومت شش تن از حاکمان عباسی به نام‌های معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز بود (مسعودی، ۱۴۰۴: ۴/۹۳). برخی از ویژگی‌های خاص اجتماعی و سیاسی حاکم بر این دوره عبارت است از: ضعف خلافت، سرگرمی خلفا به عیش و نوش و توجه نداشتن به وضعیت عامه مردم، سرکوب اعتراض‌ها و انتقادهای علنی شدن فساد و بی‌بندوباری، ورود آرا و افکار گوناگون به سرزمین اسلامی و در مقابل، برپایی قیام‌های متعدد مردمی (رفیعی، ۱۳۷۳: ۳۱-۴۵).

### جریان‌های فکری عصر امام هادی (ع)

حادثه سقیفه نقطه عطفی در تعیین حدود مذاهب اسلامی و مبانی عقیدتی فرق اسلامی بود، در واقع کنار زدن اهل بیت از صحنه سیاسی و فرهنگی جهان اسلام، نخستین عامل اختلاف میان مسلمانان شد. ولی عوامل دیگری همچون اجتهاد صحابه، جلوگیری از نقل، تدوین و نشر حدیث، نفوذ فرهنگی یهودیان، مسیحیان و ملحدین و نشر افکار و شبهات آنها، رسوخ دنیاطلبی و تفسیر انحرافی از عقیده اسلامی، اختلافات و درگیری‌های خلافت اموی و عباسی و ایجاد فرق انحرافی از سوی آنان برای مقاصد فرهنگی سبب بروز اختلافات بیشتر عقیدتی، فکری و فرهنگی جهان اسلام بود. برخی از این گروه‌ها در دسته‌بندی‌ای کلی عبارت‌اند از:

۱. صاحبان ادیان و اندیشه‌های غیراسلامی (مانند یهود، نصارا، مجوس و گروه‌های الحادی مانند زنادقه، دهریون و...); اینها فعالیت فکری- فرهنگی تأثیرگذاری داشتند؛ چنان‌که موبدان زرتشتی در قرن دوم و سوم هجری آشکارا به مناظره با ادیان دیگر به‌ویژه با اسلام می‌پرداختند (ابن‌ندیم، بی‌تا: ۶۱). اهل کتاب از دوره فتوحات اسلامی در میان مسلمانان، اسرئیلیات و شبهات گوناگونی را می‌پراکندند و تأثیر بسیاری از نظر فکری بر مسلمانان داشتند. خلفا گاهی با اینها مشورت می‌کردند و بدین سبب از کمک خلفا بهره‌مند می‌شدند؛ با گسترش نهضت ترجمه در سده سوم نیز دامنه فعالیت اینها بیشتر شد و گاهی مثل عصر امام رضا (ع) با امامان مناظره می‌کردند و امامان شیعه ناگزیر بودند به شبهات آنها پاسخ دهند. این

مناظره‌ها در رشد و بالندگی علمی شیعیان مؤثر بود. عموماً برخورد ائمه (ع) با اینها هدایت‌گراانه و همراه با سعه صدر و به دور از خشونت بود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۴۴/۵۰-۱۴۵). از دیگر جریان‌های فکری سیاسی فعال زمان امام هادی (ع)، جنبش زندیقان تحت رهبری بابک خرم‌دین بود. از مبانی فکری این گروه می‌توان به تناسخ، رجعت، اشتراک و اباحیه اشاره کرد. بابک نتوانست همه بخش‌های آذربایجان را به هم پیوند زند. ولی دعوت او با موفقیت بسیاری در منطقه جبال همدان، اصفهان، ماسبدان، مهرجان روبه‌رو شد و این دعوت در طبرستان، گرگان، ارمنستان و خراسان و دیگر سرزمین‌های غیرعرب گسترش یافت. با پیروزی‌های پی‌درپی، بابک به نیروی خطرناکی تبدیل شد و مأمون نیروهای نظامی گسترده‌ای را به جنگ وی می‌فرستاد اما مدام شکست می‌خوردند؛ تا اینکه در سال ۲۱۸ ق. مأمون مرد. سپس معتصم در سال ۲۲۰ ق. بزرگ‌ترین فرمانده، افشین حیدر بن کاووس را که امیر منطقه جبال بود، برای جنگ با بابک فرستاد. افشین توانست بابک را شکست دهد و او را به همراه برادرش عبدالله به سامرا آورد؛ بابک را کشتند و جسد او را در سامرا به دار آویختند (طوقش، ۱۳۸۰: ۱۳۶ و ۱۴۶). همچنین در سده سوم، نفوذ فکری و فرهنگی شعوبیه گسترش یافت و شعرای بزرگی از آنها ظهور کردند و در افتخار به نژاد ایرانی و مثالب عرب شعر سرودند (همایی، ۱۳۷۵: ۱۱۳). این گروه از شعرا و نویسندگان، نهضت شعوبی را گسترش دادند و جریان نیرومند فرهنگی واگرایی در برابر مسلمانان ایجاد کردند.

۲. خلفا و حاکمان سیاسی (شامل سه خلیفه نخست، خلفای حزب عباسی و کارگزاران حکومتی آنان). جریان خلفا یا جریان عباسی، جریان بزرگ فکری-اجتماعی بود که در درون خود جریان‌های خردتری را می‌پروراند. در این جریان ایدئولوژی نقش مهمی داشت. از لحاظ مبانی کلامی در هر دوره‌ای دشمنی با گروه خاصی را در پیش می‌گرفتند و نهایتاً به اهل حدیث نزدیک شدند (طوقش، ۱۳۸۰: ۱۶۳). سیره امام هادی (ع) درباره خلفای سه‌گانه و به‌ویژه شیخین، در راستای وحدت و رعایت ملاحظات عاطفی سایر مسلمانان بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۷۷/۲-۴۸۰). اما سیاست سکوت نسبی و مبارزه منفی با خلفای عباسی بیشتر به دلیل حفظ جان خود و اصحاب و بقای مکتب اهل بیت (ع) بود.

۳. جریان‌های فکری شیعی مانند زیدیه، اسماعیلیه، غلات، واقفیه؛ مشکلات اهل بیت (ع) و امام هادی (ع) در مواجهه با این گروه‌ها، به ویژه غالیان، از دردسرهایی که مخالفان مذهبی غیرشیعی پدید می‌آوردند، بیشتر و سخت‌تر بود. چنان‌که این گروه با تندروی‌های سیاسی و فکری خود، در تضعیف جایگاه و گاهی وهن مکتب اهل بیت تأثیر بسزایی داشتند و مسیر را برای مخالفان امام هموار می‌کردند (اربلی، بی‌تا: ۳۳۸/۲).

۴. فرقه‌های کلامی و مستقل مانند خوارج، جبریه، قدریه و معتزله؛ اینها اقبال گسترده‌ای در میان توده مردم نداشتند. محدثان و فقهای مشهور اهل سنت نیز، خود را در تقابل و رقیب این گروه‌ها می‌دانستند. تعداد درخور توجهی از احادیث امام هادی (ع) در زمینه مبارزه و برخورد با بدعت و برائت و بیزاری از صاحبان آن، مربوط به این گروه‌ها بوده است. چنان‌که ایشان به تبیین موضوعات کلامی، نظیر جبر و اختیار، قضا و قدر، توحید، به‌ویژه نقد اهل جبر و تفویض اهتمام داشتند (نک: حرانی، ۱۳۸۵: ۸۳۱).

۵. جریان‌های فقهی وابسته به خلافت همچون، شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی؛ رهبری این گروه در دست فقها و احياناً محدثان بود. این گروه در روایات و کاربردهای تاریخی، با اسامی خاصی نظیر «اهل حدیث»، «اهل رأی»، «اهل اثر»، «جماعت»، «عامه» و با گذشت زمان همگی آنان با عنوان «اهل سنت» شناخته شده‌اند (پاکتچی، ۱۳۷۲: ۴۷۴/۱۰-۴۷۵).

در ادامه با توجه به عنوان مقاله، جریان‌های فقهی اهل سنت در دوره مورد نظر را به اختصار معرفی می‌کنیم و سپس به بررسی و تبیین تعاملات امام هادی (ع) با ایشان می‌پردازیم.

۱. **جریان فقهی و حدیثی مالکی:** مالک بن انس از فقها و محدثین مدینه و حجاز متولد سال ۹۵ و متوفای ۱۷۹ قمری بود (شیرازی، بی‌تا: ۵۳). وی هماهنگ با سیاست‌های منصور بود و به همین سبب منصور دستور داد کتاب *الموطاوی* را بر مردم تحمیل کنند و مالک را سرپرست کارگزاران عباسی در حجاز قرار داد (حکیم، ۱۳۸۵: ۸۹/۹). جریان فقهی وی به یکی از ارکان چهار فقه اهل سنت تبدیل گردید.

۲. **جریان فقهی ابوحنیفه:** نعمان بن ثابت (۸۰-۱۵۰ ق.) (شیرازی، بی‌تا: ۸۷) مدتی پیرو

محمد نفس زکیه بود و پیشنهاد منصور برای منصب قضا را نپذیرفت. وی یکی از امامان چهارگانه اهل سنت و جماعت است. پیروان وی را «اهل رأی» و «اصحاب رأی و قیاس» گویند، زیرا ابوحنیفه با نظایر و اشباه استنباط حکم می‌کرد و رأی، قیاس، اجتهاد و استحسان را روا می‌دانست. از شاگردان مشهور ابوحنیفه، محمد بن حسن شیبانی و قاضی ابویوسف، فقیه دربار هارون بود (علوی، بی‌تا: ۳۱). جریان فقهی وی از سوی موالی به‌ویژه در خراسان پیروان بسیاری پیدا کرد.

۳. **جریان فقهی امام شافعی:** محمد بن ادریس شافعی (۱۵۰-۲۰۴ ق.) از فقهای مشهور ساکن مکه بود (شیرازی، بی‌تا: ۶۰). جریان فقهی وی به یکی از چهار رکن فقه اهل سنت تبدیل شد. شافعی، مذهب مالکی را با ابوحنیفه ممزوج کرد و فقه را از فقیه حنفی عراق، محمد بن حسن شیبانی آموخت و جامع اصحاب حدیث و اصحاب رأی شد. منابع اصلی اجتهاد شافعی، قرآن، سنت، اجماع و پس از آن قیاس بود.

۴. **جریان فقهی ابن حنبل:** احمد بن محمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ ق.) پیشوای حنبلیان و از رهبران بزرگ اهل حدیث است. وی به سبب پایداری در محنه (دوران قدرت معتزله و بی‌مهری به وی) از جایگاه درخور توجهی در میان محدثان برخوردار بود و پس از به قدرت رسیدن متوکل اقبال عمومی به اندیشه‌های او بیشتر شد. هرچند از فقه ابن حنبل به عنوان یکی از مذاهب‌های چهارگانه مشهور یاد می‌شود اما وی بیشتر محدث است (پاکتچی، ۱۳۷۲: ۷۱۸/۶-۷۲۰). وی از رجال سرآمد جریان اهل حدیث است که مشخصه عمومی آنان مخالفت با هر گونه اجتهاد و رأی بود و به‌طور مطلق به احادیث استناد می‌کرد (صابری، ۱۳۸۶: ۲۱۳/۱).

### راهبردهای امام هادی (ع) در مواجهه با اهل سنت

امام هادی (ع) که شاهد فعالیت چهار مذهب اصلی فقهی و وجود برخی مذاهب دیگر فقهی - کلامی بود، سعی در تبیین و نمایاندن چهره واقعی مذهب و دین اسلام داشت. آن حضرت با راهبردها و مهندسی فرهنگی خود تصویری صحیح از دین ارائه کرد و با تبیین اعتقاد صحیح اسلامی و تدوین نقشه راهبردی فرهنگی، به حراست از کیان اسلام و تشیع و عقاید دوستدارانش پرداخت. اقدامات مهم آن حضرت در مواجهه با این گروه به شرح زیر است:

## ۱. استناد به قرآن برای استنباط احکام فقهی

فقه شیعی در مقایسه با فقه دیگر فرق و مذاهب اسلامی، جامعیت و پویایی و بالندگی ویژه‌ای دارد. منابع فقه اسلامی به ترتیب شامل قرآن، سنت، عقل و اجماع است. مجموعه آیات قرآن را که مربوط به فقه و احکام اسلامی است، آیات الاحکام گویند که در حدود پانصد آیه است (فاضل مقداد، ۱۳۴۳: ۵/۱). البته ائمه علیهم السلام در استنباط احکام شرعی گاه به برخی آیات قرآن استناد کرده‌اند که فقهای اسلام آن را جزء آیات الاحکام نمی‌دانستند و این نشانه عمق مفاهیم قرآن و بینش وسیع ائمه بزرگوار است. در ادامه به دو نمونه از فتوهای امام هادی (ع) که برگرفته از قرآن است و در احکام فقهی در بین فقها سابقه نداشت، اشاره می‌شود:

مردی نصرانی را نزد متوکل عباسی آوردند که با زن مسلمانی زنا کرده بود، متوکل خواست که به او حد بزند. نصرانی مسلمان شد. یحیی بن اکثم گفت: ایمان او باعث شد که شرک و عمل زشت او از بین برود. یکی از فقها گفت: باید او سه حد بخورد. دیگران نیز نظرات مخالفی اظهار کردند. متوکل دستور داد از امام هادی (ع) این مسئله را بپرسند. امام (ع) در پاسخ نوشتند: «باید آنقدر بزنند تا بمیرد». یحیی و سایر فقها این نظر را نپذیرفتند و گفتند چنین مطلبی نه در کتاب آمده و نه در سنت. متوکل خدمت امام (ع) نوشت که فقهای مسلمین بر این فتوا اعتراض دارند و می‌گویند نه در سنت آمده و نه در قرآن گفته شده است. توضیح دهید که چرا چنین فتوایی دادید؟ امام (ع) پس از ذکر نام خدا در پاسخ چنین نوشتند: «آنگاه که قهر و شدت عذاب ما را به چشم دیدند، در آن حال گفتند: ما به خدای یکتا ایمان آوردیم و به همه بت‌هایی که شریک خدا گرفته بودیم، کافر شدیم؛ اما ایمانشان پس از دیدن مرگ و مشاهده عذاب ما برای آنها هیچ سودی ندارد» (غافر: ۸۳ و ۸۴). آنگاه متوکل مطابق فتوای امام (ع) دستور داد تا آن مرد را به قدری کتک زدند تا مرد (کلینی، ۱۴۰۴: ۲۳۸/۷).

همچنین نقل شده است متوکل نویسنده‌ای نصرانی داشت که به علت علاقه زیاد به او، وی را به کنیه ابونوح صدا می‌زد. گروهی از درباریان به وی اعتراض کردند که روا



نیست به کافر چنین کنیه‌ای بدهد. متوکل از فقهای زمان خود استفتا کرد؛ گروهی اجازه دادند و گروهی نهی کردند. نهایتاً نظر امام هادی (ع) را جویا شد؛ امام در پاسخ بعد از بسم الله الرحمن الرحيم این آیه کریمه را نوشت: «نابود باد ابولهب و دو دستش بریده باد» (مسد: ۱). استشهاد امام به این آیه، به روشنی جواز کنیه دادن به کافر را اعلام کرده است. متوکل پس از دریافت فتوا آن را قبول کرد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۹۱/۱۰).

## ۲. رعایت ملاحظات عاطفی و مذهبی

یکی از موضوعات مورد توجه مخالفان و به‌ویژه اهل سنت، احترام گذاشتن به شیخین (ابوبکر و عمر) بود که گاه اسباب بهانه‌جویی‌های آنان در آن زمان می‌شد. سیره امام هادی (ع) در این باره همانند پدران بزرگوارشان احترام همراه با اخلاق‌مداری بود. از این‌رو در بحث از فضایل خلفای نخستین، علی‌رغم اینکه مورد پذیرش ایشان نبود، ولی با پاسخ دقیق و هوشمندی فرهنگی که ابزار لازم برای مهندسی فرهنگی است و با در نظر گرفتن ظرفیت‌های روحی و ذهنی و ویژگی‌های زمان خود، مانع از تحقق اهداف طرف مقابل می‌شدند؛ چنان‌که نقل شده است روزی متوکل نظر امام را درباره آیه شریفه «و یوم یعض الظالم علی یدیه» (فرقان: ۲۷) پرسید؛ درحالی‌که متوکل دریافته بود این آیه از نظر امام به برخی از خلفا اشاره دارد. امام در پاسخ فرمود: «منظور دو مرد هستند که خداوند از آنها به کنایه سخن گفته و با تصریح نکردن به اسمشان، بر آنها منت نهاده است. شما می‌خواهید آنچه را که خداوند پنهان داشته، برملا کنید؟» متوکل گفت: «خیر» (مجلسی، ۱۳۵۴: ۱۹۰/۱۲). متوکل می‌خواست با سوءاستفاده از این مسئله حضرت را در مقابل عامه و اهل حدیث قرار دهد که البته موفق نشد. در واقع یکی از لوازم ضروری کارگزاران فرهنگی، بهره‌مندی از تربیت متعالی و مدیریت و استراتژی فرهنگی است. نمود این ویژگی‌ها در رفتار فرهنگی متبلور است که مصداق این رفتار هوشمندانه، در عملکرد امام هادی (ع) به عنوان کارگزار فرهنگی آشکار است.

## ۳. اثبات برتر علمی خود برای رهبری فرهنگی

معتصم بعد از طرح نقشه شهادت امام جواد (ع)، فرمان داد تا برای امام هادی (ع) که آن زمان شش سال داشت، آموزگاری انتخاب کنند. یکی از علمای اهل سنت مدینه به

نام الجنیدی، که مخالف‌ترین و دشمن‌ترین مردم با اهل بیت (ع) بود، برای این کار انتخاب شد. جنیدی شروع به آموزش امام کرد. بعد از مدتی یکی از وابستگان به خلافت، جنیدی را دید و از بچه‌ای که به دستش سپرده بودند، سؤال کرد. جنیدی به او اعتراض کرد و گفت:

«بچه؟ به خدا سوگند من سخنی در ادبیات می‌گویم و تصور می‌کنم که تنها من به آن مطلب رسیده‌ام، آنگاه او باب‌هایی از آن را مطرح می‌کند و من از او استفاده می‌کنم. او بهترین شخص روی زمین و بالاترین مخلوقی است که خداوند آفریده است. گاهی او می‌خواهد وارد حجره شود، می‌گویم سوره‌ای از قرآن را بخوان و بعد وارد شو (به قصد اذیت کردن). می‌پرسد: کدام سوره را بخوانم؟ پس یکی از سوره‌های طولانی را نام می‌برم که هنوز به آنجا نرسیده است، او خوانده و جاهای مشکلش را برای من معنا کرده است. اینها عالم‌اند، حافظ قرآن و عالم به تأویل و تفسیر قرآن‌اند. سبحان الله» (شریف قرشی، ۱۳۷۱: ۳۱ - ۳۲).

سپس جنیدی تحت تأثیر علم امام، تیرگی دشمنی با اهل بیت را از قلب خود زدود و به ولایت و دوستی ایشان گرایش یافت و معتقد به امامت ایشان شد (همان). بنابراین توان علمی حضرت، منجر به بهت یکی از بزرگان اهل سنت به عنوان سنبلی جریان فکری و عقلی مخالف مقام امام شد و تأثیری را که این شخصیت علمی می‌توانست در جامعه علیه امام داشته باشد، کاملاً واژگون کرد.

#### ۴. تبیین جایگاه رهبری فرهنگی در قالب گفتمان وصایت و مهدویت

اعتقاد تشیع با اعتقاد اهل تسنن در موضوع مهدویت تفاوت دارد. مهدی (عج) در نزد اهل سنت یکی از امامان مسلمانان است که عدالت‌گستر و شریعت‌مدار است و در آخرالزمان زاده می‌شود. مذاهب اربعه، مهدی (عج) را به عنوان شخصیتی که بالفعل وجود دارد، قبول نداشتند و از این‌رو اندیشه مهدویت را موضوع موعود محض می‌پنداشتند (العباد و مودودی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). مهندسی فرهنگی امام هادی (ع) با آگاهی از اوضاع و احوال زمان خود و شناخت و درک افزایش حساسیت دستگاه خلافت به

امامان شیعه عبارت بود از ارجاع به امام حسن عسگری (ع) به عنوان امام پس از خود، آماده ساختن اذهان شیعیان برای غیبت نوه بزرگوارش حضرت مهدی (عج) و رد تفسیر اهل سنت از این اندیشه (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۰۹/۵۰). فعالیت‌های امام در این زمینه با نهایت دقت و احتیاط صورت می‌گرفت و سعی حضرت بر این بود که هیچ مشخصه‌ای از حضرت مهدی (عج) - حتی نام او - برای مردم بازگو نشود تا مبادا به گوش حکمرانان عباسی برسد (حکیم و صالحی، ۱۳۸۵: ۲۲۱ - ۲۲۶). الگوی عملیاتی امام برای دوران غیبت، برنامه‌ریزی برای عادت دادن شیعیان به دور بودن از پیشوایان و ائمه خود و ارتباط داشتن با آنان از طریق وکلا و نایبان بود. امام با شناخت ویژگی‌های زمانه و بهره‌مندی از دانش و منش کافی در این زمینه به مدیریت فرهنگی پرداختند.

امام هادی (ع) در این شرایط بسیار سخت‌فتنه و بحران فرهنگی، با زیر سؤال بردن مشروعیت خلفای عباسی به تبیین اندیشه سیاسی شیعه پرداختند. ایشان که همه معیارهای شایستگی در مدیریت فرهنگی مانند برتری علمی و عصمت را داشتند، به اداره فرهنگی امت پرداختند و جایگاه والای پیشوای الهی و مهندس فرهنگی را روشن ساختند. آن حضرت در زیارت جامعه کبیره، یکی از زیارات مستند و مشهور شیعیان، به نقل از موسی بن عبدالله نخعی به تبیین جایگاه و منصب الهی و سیاسی امام در معارف عمیق توحیدی و نیز تبیین ولایت انسان کامل پرداختند. ایشان امام را موضع رسالت، محل رفت و آمد ملائکه و هبوط نور وحی، معدن رحمت خداوند، خزانه علم خداوند و رهبر سیاسی و فکری و معنوی جامعه اسلامی معرفی کردند. ظاهراً عبارت «قادة الامم» در زیارت جامعه، تنها به معنای رهبری معنوی نیست؛ بلکه شامل رهبری سیاسی نیز می‌شود. در این زیارت آمده است:

السلام علی الائمه الدعاء و القادة الهداة و السادة الولاة و الذادة الحماة و اهل  
الذکر و اولی الامر و بقیة الله و خیرته و حزبه و عیبه علمه و حجته و صراطه  
و نوره و برهانه و رحمه الله و برکاته؛ درود بر پیشوایان دعوت‌کننده و  
زمامداران راهنما و سرپرستان برگزیده و حامیان نگهدارنده [دین خدا] و اهل  
ذکر و فرمانداران و صاحبان ولایت و آیات باقی خداوند و برگزیدگان او و  
حزب او و گنجینه‌های دانش او و حجت راه و نور و دلیل روشن خداوند و  
رحمت خدا و برکات او.

وَ رَضِيكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَ أَنْصَارًا لِدِينِهِ وَ حَفَظَهُ لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةَ لِعِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعًا لِحُكْمِهِ وَ تَرَاجِمَهُ لَوْحِيهِ وَ أَرْكَانًا لَتَوْحِيدِهِ وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَ أَدِلَّةً عَلَى صِرَاطِهِ؛ خداوند پسندید شما را برای جانشینی در زمین اش و حجت بودن بر بندگان اش و به عنوان یاری کننده دین اش و حافظ سرش و گنجینه ای برای دانش اش و امانت دار حکمت اش و مفسران وحی اش و اساس یگانگی اش و گواهانی بر مخلوقاتش و نشانه هایی برای بندگان اش و مشعل هایی در شهرهایش و راهنمایان راه مستقیم اش (ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۳۰۵/۲).

بدین وسیله با آگاه کردن شیعیان، ایشان را از غافلگیر شدن در برابر وضعیتی که تاکنون برایشان سابقه نداشت، رهانده، آمادگی لازم را در آنان به وجود آورده و آن را از قوه به فعلیت رسانده است (حکیم و صالحی، ۱۳۸۵: ۲۲۷). حساسیت و توجه امام هادی (ع) به مسئله امامت و ولایت بیش از مسائل دیگر بود؛ چنان که در حدیث مشهور عرضه ایمان عبدالعظیم حسنی، بر این مطلب تأکید دارند (همان، ۲۲۴ - ۲۲۵). امام حتی در بستر شهادت، در پی روشن کردن امر امام بعدی و سپس حضرت مهدی (عج) است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰/۲۳۹).

## ۵. تبیین رهبری فرهنگی

تقابل اصلی امام (ع) با خلفا و مذاهب اربعه، در مسئله امامت یا رهبری بود. در واقع در دوره خلفای عباسی به ویژه در زمان امام هادی (ع) مسئله امامت به ویژه بحث تفضیل، یعنی برتری و مقدم دانستن امام علی (ع) بر سه خلیفه دیگر، از مباحث مهم و چالش برانگیز بود (حیدر، ۱۳۹۰: ۲/۵۶۶-۵۸۶). چیزی که سبب مبارزه خلفا با اهل بیت می شد، این بود که اهل بیت، خودشان را امام می دانستند و می گفتند: «ما امامیم». در واقع بزرگ ترین مبارزه علیه حکام همین بود. چون کسی که حاکم شده بود و خود را امام و پیشوا می دانست، می دید شواهد و قراینی را که در امام لازم است، در حضرت هست، اما در او نیست و این موجود را برای حکومت خطرناک می شمرد؛ چون مدعی است. حکام با این روح مبارزه می جنگیدند (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۳۲۶). راهبردهای امام

هادی (ع) در تفهیم این اصل متنوع بود. استفاده از عبارت «قادة الامم» در زیارت جامعه، فقط به معنای رهبری معنوی نیست، بلکه رهبر دنیوی هم مقصود است (حکیم و صالحی، ۱۳۸۵: ۲۴۰/۱۲ - ۲۴۱). همچنین می‌توان در زیارت غدیریه چنین سخنان صریحی را یافت (همان، ۲۶۱ - ۲۶۷). از دیگر راهبردهای مهندسی امام در این حوزه می‌توان به تربیت دانشمندان و استعدادهای علمی اشاره کرد که در معرفی امام و تفهیم مقام امامت در سطح جامعه نقش مهمی داشت.

## ۶. تبیین اوصاف صاحبان حقیقی حکومت

موضوع حکومت و سلطنت، از مسائل چالش‌برانگیز سیاسی - اجتماعی در تاریخ اسلام بوده است. حکومت بعد از رسول‌خدا (ص) به دو دوره خلافت و سلطنت تقسیم شد. خود خلافت نیز شامل دو دوره خلفای راشدین و غیرراشدین است. بعد از انقراض عباسیان (نیمه قرن هفتم)، اگرچه عده‌ای همچنان مدعی منصب خلافت بودند، ولی بین حکومت و سلطنت تلاقی ایجاد شد و موضوع خلافت منتفی گشت. در باور امامیه، حکومت به هر نامی (سلطنت، خلافت یا هر عنوان دیگر) از شئون امام معصوم یا نواب وی است و حکومت غیرمعصوم غصبی است (البته به جز مبحث ولایت فقیه). بنابراین، از دیدگاه امام هادی (ع) خلافت عباسی غصبی و نامشروع است؛ اما مذاهب اربعه اهل سنت معتقد بودند حکومت و خلافت به ائمه شیعه اختصاص ندارد؛ از این رو حکومت‌هایی مانند عباسیان را تأیید می‌کردند و برای تأیید آن، کتب و رساله‌های بسیار نوشتند (نیآوردی، ۱۳۹۳: ۵ - ۲۱). امام هادی (ع) در دوران امامت خود به روشی هوشمندانه ضد حکومت عباسیان فعالیت می‌کردند. برنامه فرهنگی امام (ع) برای رسیدن به این هدف، عبارت بود از: خودداری از هرگونه تحریک، نداشتن مخالفت آشکار با حکومت و حتی تشویق یاران به حضور و نفوذ در دولت عباسی. چنان‌که وقتی محمد بن علی بن عیسی علت ورود خود به سیستم خلافت عباسی را یافتن راهی برای ضربه زدن به دشمنان اعلام کرد، امام در پاسخ او فرمود: «هر کس با چنین هدفی این کار را انجام دهد، داخل شدن او در کار بنی عباس نه تنها حرام نیست، بلکه برای او اجر و پاداش است» (حکیم و صالحی، ۱۳۸۵: ۲۰۴ / ۱۲).

## ۷. احتجاج به اصول مورد پذیرش طرف مقابل برای تبیین گفتمان فرهنگی

گزارش‌های قرآنی تبیین می‌کند که در طول تاریخ، همواره پیامبران برای اثبات ادعای خود به احتجاج رو آورده و از این شیوه برای رسیدن به اهداف متعالی خویش بهره برده‌اند. از جمله می‌توان به آیه ۱۰ سوره ابراهیم اشاره کرد که همه پیامبران برای تبیین مخلوق بودن هستی و نیاز آنها به وجود آفریدگار و اثبات وجود خداوند به روش احتجاج چنگ زده و سود جسته‌اند (ابراهیم: ۱۰). علاوه بر پیامبران و اهل حق، کافران (اعراف: ۱۱ - ۱۲) و برخی اهل کتاب نیز برای اثبات مدعای باطل خود (آل عمران: ۵۹-۶۶) از این روش استفاده کرده‌اند.

امام هادی (ع) برای پاسخ به سؤالات مردم اهواز درباره جبر و تفویض، نامه‌ای نوشتند؛ در نامه، ابتدا مقدمه‌چینی کرده، سپس پاسخ نهایی سؤالات را مطرح کردند (حرانی، ۱۳۸۵: ۸۲۹-۸۶۵). ایشان قرآن را سند مورد اعتماد همه مذاهب اسلامی معرفی کردند و سپس پذیرش حدیث ثقلین را به دلیل تأیید آن در قرآن، بر همه واجب دانستند. ایشان همچنین در آن نامه، درباره جبر و اختیار، روایت نبوی «لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى الضَّلَالَةِ» را مطرح کردند و معنای صحیح آن را از نظر اهل بیت علیهم‌السلام گفتند و برداشت‌های غلط از آن را نفی کردند. اهل سنت به استناد این روایت، مسئله انتخاب خلیفه اول را بر مبنای اجماع امت دانسته، آن را صحیح و مورد تأیید رسول خدا (ص) معرفی می‌کردند (نک: ابن‌عبدالبر، ۱۴۲۱: ۲۷۹). در حالی که معنای صحیح آن در بیان امام هادی (ع) این است که مطلبی که همه مسلمانان روی آن اجماع دارند و هیچ کس در آن اختلافی ندارد، حق است؛ مانند قرآن که همه مسلمانان روی آن اجماع دارند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۴۵۰)؛ در حالی که در انتخاب خلیفه اول اختلافاتی وجود داشت و اجماع واقعی رخ نداد.

## ۸. تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها

بنا به گزارش طبری، یحیی بن هرثمه در سال ۲۳۳ ق. مأمور انتقال امام هادی (ع) به سامرا شد (طبری، ۱۳۸۷: ۹ / ۱۶۳). وی شاهد علاقه مردم مدینه به امام و فریاد اعتراض آنها برای انتقال ایشان بود؛ چنان‌که اظهار داشت: من تا آن روز آن‌چنان ضجه و ناله‌ای نشنیده بودم (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰ / ۱۴۲). همچنین در مسیر آوردن امام (ع) از مدینه شاهد

کرامتی از ایشان و علم غیب حضرت به نزول تگرگ و مناظره سپه‌داری از خوارج و نویسنده شیعه خود بود. از این‌رو، شیفته امام شد و مذهب تشیع را برگزید (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۴۲/۵۰-۱۴۴). بنابراین رفتار هوشمندانه فرهنگی و منش الاهی امام (ع) و نیز ارائه برخی کرامات، یحیی بن هرثمه را که در ابتدای مأموریت خود آن همه سرسختی و قاطعیت نشان داده بود، دگرگون ساخت؛ چنان‌که از راه خود که آیین حشویه<sup>۱</sup> بود بازگشت و شیفته و ارادتمند آن حضرت شد (رفیعی، ۱۳۷۳: ۸۴-۸۵). از زراره وزیر متوکل نقل شده است که حضرت در خبری غیبی به قتل متوکل در زمانی خاص اشاره فرمود. با وقوع پیش‌گویی امام (ع)، زراره شیعه و ملازم حضرت گردید (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۴۷/۵۰-۱۴۸ و ۱۸۶-۱۸۷).

همچنین علی بن یقظین بن موسی اهوازی نقل کرده است که به مذهب معتزله گرایش داشتم و به واسطه علم حضرت به نزول باران در ایامی که کسی تصور آن را نمی‌کرد و پاسخ ایشان به سؤال وی، به مقام امام (ع) اعتقاد پیدا کرد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸۷/۵۰-۱۸۸). آگاهی امام از ضمیر شخصی سنی‌مذهب بنام عبدالرحمن اصفهانی و دعای امام در حق او، چنان تاثیری در این شخص گذاشت که به تشیع گروید و به امامت امام هادی (ع) معتقد شد (قطب راوندی، ۱۴۰۹: ۱/۳۹۲-۳۹۳). در جریان دیگری، فتح بن یزید گرگانی در مسافرتی که با حضرت همراه بود، سؤالاتی در خصوص امامت از ایشان پرسید؛ امام نیز در این دیدار متناسب با درک و آمادگی وی، جایگاه امامت را در نظام اعتقادی و عملی اسلام با استناد به قرآن تشریح نمود. فتح با شنیدن سخنان ایشان به امامت حضرت معتقد شد (مسعودی، بی‌تا، ۱۹۸-۱۹۹). رفتار امام با یکی از سربازان تحت فرماندهی بغای بزرگ، سبب انتقال تصویر مثبتی از امام به بغای بزرگ شد. همچنین اهتمام حضرت به تشویق وی برای مقابله با هجوم تخریبی اعراب، سند تاریخی گویایی از فضایل و کمالات امام هادی (ع) در تعامل با این فرمانده نظامی است. این ارتباط به گونه‌ای مؤثر بود که به گزارش تاریخ، سبب رفتار نیکوکارانه بغا با طالبیان شد (مسعودی، ۱۴۰۴: ۷۵/۴). بنابراین راهبرد تبدیل تهدید به فرصت از سوی امام هادی (ع) موجب جذب نیروهای مخالف می‌شد و آنان را در مسیر تشیع و اهداف امام قرار می‌داد و نهایتاً منجر به گسترش قلمرو تشیع می‌شد.

## ۹. تمسک به عقل به موازات نقل

برخلاف حنابله که اهمیت بسیاری به حدیث می دادند، امامیه تمسک محض به حدیث را باطل می داند و معتقد به بهره گیری از عقل در کنار نقل است. راهبردهای امام در مواجهه با این رویکرد اهل سنت، عبارت است از تربیت راویان حدیث، استفاده از منابع غیر حدیثی، تربیت شاگردان نخبه و تقویت آنها در بلاد مختلف است. این اقدامات به موازات سازمان وکالت انجام گرفت و تأثیر بسزایی در گسترش فرهنگ شیعی در جهان اسلام داشت.

در زمان امام هادی (ع)، تمام دنیای اسلام در قبضه ائمه بود (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۳۲۷). شاگردان بسیاری از نقاط دور و نزدیک، حتی از آفریقا و آسیای دور به مدینه آمده بودند و از حضرت بهره می بردند (دخیل، ۱۴۰۲: ۲/۲۵۷). امام هادی (ع) علی رغم وجود فشارهای سیاسی حکومت عباسی، شاگردان و راویان بسیار تربیت کرد که در کتب مختلف نام و فعالیت های آنان ذکر شده است (شریف قرشی، ۱۳۷۱: ۲۵۱-۳۱۷).

## ۱۰. مهندسی فرهنگی با نامه نگاری

یکی از رویدادهای مهم دوران عباسی، باز شدن دروازه های علم، کلام و فلسفه ملت های دیگر به روی مسلمانان، ترجمه بسیاری از کتب علمی به زبان عربی و نگارش کتاب بود. از قرن دوم تا چهارم مباحث علمی بسیاری صورت گرفت و کتب بسیاری ترجمه و نگاشته شد (دینوری، ۱۳۶۴: ۴۴۲). در این زمان برخی از اهل سنت با نگارش کتاب مخالف بودند؛ چنان که احمد بن حنبل از نوشتن و کتابت منع می کرد (حیدر، ۱۳۹۰: ۱۵۱/۳). اما پیروان ائمه با استفاده از فرصت ایجاد شده در جهان اسلام و با بهره گیری از تشویق پیشوایان خود، به نوشتن کتب مختلف در زمینه های متعدد علمی اقدام کردند، چنان که فقط یکی از یاران ایشان به نام علی بن مهزیار بالغ بر سی مجلد کتاب تألیف کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۵۳/۱) یا فضل بن شاذان، که تألیفات او بالغ بر صد و هشتاد مجلد است و در علوم مختلف مانند فقه، تفسیر، علم کلام، فلسفه، لغت، منطق و دیگر علوم کتاب تألیف نموده است (همان، ۳۰۶-۳۰۷). یاران امام هادی (ع) حدود ششصد کتاب در موضوعات مختلف نگاشته اند (همان).



علاوه بر این، پیروان ائمه به کتابت نامه نیز توجه ویژه‌ای داشتند. چراکه یکی از راه‌های ارتباط با امام از این طریق بود. به طور کلی ائمه در دوران وکالت به کتابت و نامه‌نگاری توجه داشتند و بر آن تأکید می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۴: ۷۱/۱). اهمیت این مسئله در زمان امام هادی (ع) به اندازه‌ای بود که شیعیان می‌دانستند برقراری ارتباط با امام، جز از طریق مکاتبه صورت نمی‌گیرد (صدر، ۱۴۱۲: ۲۲۳/۱). چنان‌که می‌دانیم کتابت از نشانه‌های رشد و تعالی فرهنگ و تمدن محسوب می‌شود و این مسئله در سیره رسول خدا (ص) (مانند نامه‌نگاری به سران کشورهای بزرگ) و سایر ائمه (مانند نامه امام علی (ع) به مالک اشتر) نیز وجود داشت. محتوای نامه‌های امام هادی (ع) نشانه برنامه‌ریزی دقیق ایشان به عنوان کارگزار فرهنگی است. در این نامه‌ها از امور جزئی تا مباحث کلامی پیچیده، معرفی نواب، برائت از دشمنان اهل بیت، معرفی جانشینان بعد از خود، آموزش تقیه، پاسخ به مسائل فقهی، هشدار درباره منحرفان و... بحث شده است (ربانی، ۱۳۸۶: ۱۷-۳۱). چنان‌که امام در رساله‌ای در پاسخ به مردم اهواز که در باب جبر و تفویض است، بسیاری از شبهات بحث امامت، توحید، جبر، تفویض و... را تبیین کردند (حرانی، ۱۳۸۵: ۸۲۹-۸۶۵).

#### ۱۱. پاسخ‌گویی به شبهات اهل سنت درباره تشیع

فقه‌های اهل سنت گاه همه شیعیان امامیه را یکی می‌دانستند با اظهار برخی افراد و گروه‌های فرصت‌طلب مانند غلات و واقفیه که با ادعاهای دروغ و نشر مطالب بی‌اساس، سعی در ایجاد اختلاف بین مسلمانان و گمراه کردن آنان داشتند. از این رو، قضات حکومت عباسی شیعیان را تحت فشار قرار می‌دادند. مهندسی فرهنگی امام هادی (ع) در مواجهه با این واکنش اهل سنت، زدودن غبار تهمت از دامن امامیه و معرفی مذهب تشیع بود. ایشان به شدت با این انحراف‌های داخلی مقابله می‌کرد. راهبرد امام در این موارد، تلاش برای هدایت این‌گونه افراد بود و در صورت هدایت نشدن ایشان، به نفی، طرد و لعن آنان دست یازیده، حتی در مواردی دستور کشتن ایشان را صادر می‌کردند (شریف قرشی، ۱۳۷۱: ۴۶۶-۴۶۹).

### ۱۱. بهره‌گیری از علم کلام در مهندسی فرهنگی از سوی امام هادی (ع)

ترجمه آثار فلسفه یونانی به جامعه اسلامی، موقعیت مساعدی را برای امامیه که مدافع مذهب عقل‌مدار خود بودند، فراهم کرد (رفیعی، ۱۳۷۳: ۱۲۸-۱۲۹). مطالعه تاریخ اسلام و متکلمان اسلامی گویای این واقعیت است که در خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع) و دیگر امامان (ع)، علم کلام مورد توجه بوده است و از دوره فتوحات برای پاسخ‌گویی به شبهات اهل کتاب و واگرایان فرهنگی مسلمانان از علم کلام بهره می‌بردند. اما چهار امام مذاهب اهل سنت، در برابر فلسفه و کلام موضع می‌گرفتند، چنان‌که فلسفه را بدعت‌آمیز دانسته، از کلام نهی می‌کردند و کتب کلامی را جزو کتب علمی نمی‌دانستند (حیدر، ۱۳۹۰: ۲۱۷/۳). در واقع در بین اهل سنت، نوعی جبرگرایی وجود داشت. اما امامیه، در این مسئله متفاوت بودند. شهید مطهری در این‌باره کلامی دارد که یادآوری آن در اینجا مناسب است. ایشان می‌گوید:

ائمه اهل بیت نه تنها خود به بحث و تجزیه و تحلیل مسائل کلامی می‌پرداختند، گروهی را نیز در مکتب خود برای بحث‌های اعتقادی تربیت می‌کردند، هشام بن حکم همه برجستگی‌اش در علم کلام بود، نه در فقه یا حدیث یا تفسیر. امام صادق (ع) او را که در آن وقت جوانی نوخط بود از سایر اصحابش بیشتر گرامی می‌داشت و او را بالادست دیگران می‌نشانند. همگان در تفسیر این عمل اتفاق نظر دارند که این تحلیل‌ها فقط به علت متکلم بودن هشام بوده است. امام صادق (ع) با مقدم داشتن هشام متکلم بر ارباب فقه و حدیث، در حقیقت می‌خواست ارزش بحث‌های اعتقادی را بالا برد و کلام را بالادست فقه و حدیث بنشانند. بدیهی است که این‌گونه رفتارهای ائمه اطهار تأثیر بسزایی در ترویج علم کلام و کلامی و فلسفی شدن عقل شیعی داشته است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۴۶ - ۴۷ به نقل از: مطهری، ۱۳۹۰: ۲/ ۵۶-۶۱).

امام هادی (ع) نیز در این زمان با نگارش رساله معروف خود، رساله فی الرد علی اهل الجبر و التفویض، ردیه‌ای بر کلام رایج اهل سنت وارد کرد (حرانی، ۱۳۸۵: ۸۲۹-۸۶۵). امام در این رساله به صورت موضوعی و دقیق، تفکر جبر را رد کرده است.

عقیده‌ای که اشاعره<sup>۲</sup> اساس آن را نهادند و می‌گفتند بندگان خدا در کارهایشان مجبورند و هیچ اراده و اختیاری از خودشان ندارند؛ همان‌طور که در این رساله شریف عقیده تفویض را نیز رد فرمودند. معتزله<sup>۳</sup> معتقد بودند خدای متعال بندگان را واگذاشته تا با قدرت و اراده خود هر کاری که می‌خواهند انجام دهند و خداوند هیچ اراده و سلطنتی بر ایشان ندارد. امام پس از رد این دو عقیده، با دلایل علمی کوبنده «امر بین الامرین» را اثبات می‌فرماید؛ نظریه‌ای که پرچم آن را ائمه اهل بیت بر دوش دارند و بنیان‌گذار آن هستند. این بخش از سخنان امام، حاکی از میزان اختلافی است که در بین مسلمانان پیدا شده بود. همچنین امام در این بخش از سخنانشان ضرورت رجوع به قرآن را اصل دانسته است (شریف قرشی، ۱۳۷۱: ۱۴۲-۱۴۴).

باید توجه داشت که امام هادی (ع) به دلیل اختناق شدید سیاسی، قادر به برپایی کلاس درس برای پاسخ‌گویی به شبهات نبودند. لذا از طریق سازمان وکالت این کار را عملی می‌کردند. یکی از شبهات کلامی دیگر در زمان امام هادی (ع) مسئله توحید (تشبیه و تجسیم درباره خداوند) بود. به نظر می‌رسد این دیدگاه از اهل سنت به شیعه سرایت کرده بود. منشأ خطا، عموماً بصیرت نداشتن به حقایق عالم هستی یا اکتفا کردن به ظاهر آیات بود. عقیده مشهور اهل سنت آن بود که خدا را می‌توان در آخرت دید. ابراهیم بن محمد در نامه‌ای به امام هادی (ع) چنین نوشت: «در منطقه ما پیروان شما در موضوع خداشناسی دچار اختلاف شده‌اند. شماری به تجسیم و عده‌ای دیگر به تشبیه منحرف شده‌اند». امام هادی (ع) در جواب چنین فرمودند: «منزه است خدایی که نه حدی می‌پذیرد و نه وصف او ممکن است. او بی همتا، شنوا و بینا است» (کلینی، ۱۴۰۴: ۱۰۲/۱). خطر این شبهه سبب شد یاران امام کتبی درباره مبحث توحید بنویسند (نک: طوسی، ۱۴۱۵: ۲۹۴). به هر حال از دلایل مخالفت نکردن ائمه با فلسفه، سازگاری اغلب مبانی فلسفه با معتقدات امامیه بود. ائمه و یارانشان نیز از فضای ایجادشده که ظاهراً بر اساس استدلال‌محوری و برهان‌گرایی بود، استفاده کردند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۵۰).

## ۱۲. پاسخ‌گویی به پرسش‌های مخالفان

برپایی مجالس بحث و مناظره بین ائمه و دانشمندان مکاتب مختلف، از تاکتیک‌های حکام برای سنجش توانایی‌های علمی ائمه بود. امام هادی (ع) همچون پدران

بزرگوارشان از این مجالس حداکثر استفاده را کردند و با نشر فرهنگ اصیل اسلام، زدودن شبهات از اذهان مردم، تفهیم مفهوم اصیل امامت و ابراز علاقه‌مندی به جلسات و کرسی‌های آزاداندیشی، حقایق بسیاری را برای مردم آشکار می‌کردند. نمونه‌ای از این مناظرات، مناظره امام با یحیی بن اکثم است. ابن اکثم سوالاتی را به صورت کتبی به امام عرضه داشت. امام در پاسخ نامه وی، ابتدا هدف او را از این نامه‌نگاری برملا کرد؛ ایشان قصد او را آزمایش و آزار و درمانده‌کردن ایشان در مقابل سوالاتش دانستند. به هر حال پاسخ‌های امام به سؤالات پیچیده وی، نشان‌دهنده توان و اقتدار علمی آن بزرگوار بود که یحیی بن اکثم را متحیر ساخت و خیرخواهانه به متوکل چنین گفت: «پس از این مسائل که از او پرسیدیم، خوش نمی‌داریم دیگر از او مسئله‌ای پرسیم، چراکه هیچ مسئله‌ای بر او وارد نمی‌شود، مگر اینکه دانش او در اثر جوابی که وی به آن مسئله می‌دهد، ظاهر شود و رافضیان (شیعیان) بدین وسیله تقویت شوند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴۰۳/۴ - ۴۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۵/۵۰-۱۷۲). پاسخ‌های استدلال‌محور امام باعث قدرت بیشتر امامیه و تقویت مذهب آنان می‌شد و ضعف عقیدتی اهل سنت را آشکار می‌کرد. لذا عامل ترجیح مذهب برتر، استدلال‌محوری و قوت آن یا موافقتش با قرآن و عقل نبود، بلکه عوامل سیاسی و میل حکام باعث ترجیح مذاهب می‌شد (حیدر، ۱۳۹۰: ۱۷۳/۱-۱۹۱).

### ۱۳. تربیت کارگزار فرهنگی

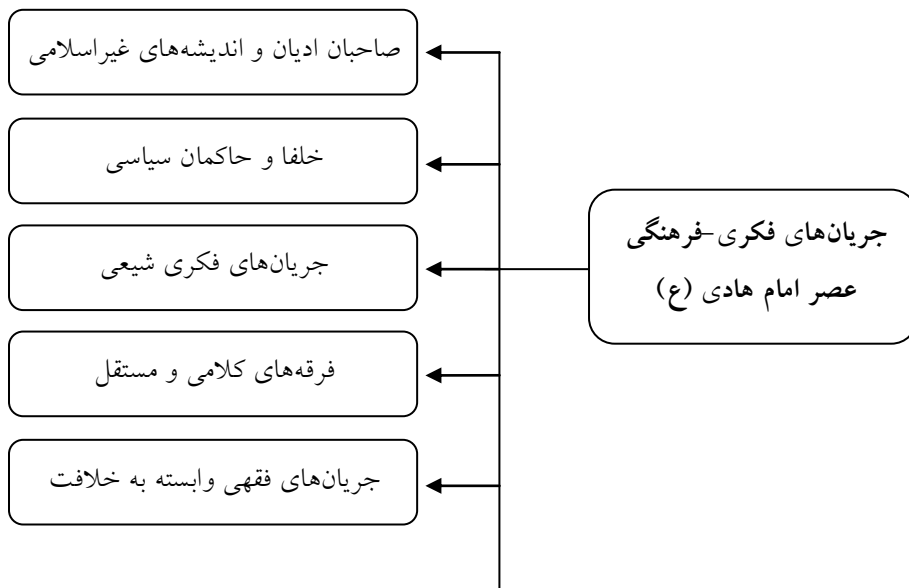
امام هادی (ع) شاگردان خود را مجتهد و پژوهشگر و توانمند در عرصه‌های علمی و فرهنگی جامعه اسلامی تربیت می‌کردند تا بتوانند سؤالات مخالفان را پاسخ گویند. در منابع نام ۱۸۵ نفر از آنان برده شده است (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۰۹) که بسیاری از آنان آثاری علمی در رشته‌های گوناگون، علیه هواداران خلافت نگاشتند؛ مانند علی بن مهزیار که دارای ۳۰ اثر، فضل بن شاذان ۱۸۰ اثر و احمد بن محمد بن خالد برقی دارای ۹۰ اثر بود. برخی از اینها در علم کلام بسیار توانمند و صاحب نظریه بودند و آثاری در رد عقاید گوناگون فرق کلامی می‌نگاشتند (منتظرالقائم، ۱۳۹۱: ۲۵۲). نهضت ردیه‌نویسی علیه مخالفان چنان شکوهمند بود که ده نفر از اصحاب آن حضرت، ۵۴ ردیه علمی کلامی نوشته بودند. نگاهی به فهرست آثار فضل بن شاذان نشان می‌دهد که وی چندین اثر در

نقد هواداران خلافت و اثبات عقاید شیعه نگاشته بود، از جمله الرد علی محمد بن کرام، کتاب الرد علی المرجئه، الرد علی الحشویه، کتاب الرد علی الحسن البصری، کتاب النقض علی الاسکافی، کتاب الرد علی حاتم الأصم بلخی و... (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۰۷).

#### ۱۴. کنترل و نظارت فرهنگی

امام هادی (ع) بر اداره سازمان فرهنگی هواداران خلافت نظارت و کنترل مؤثری داشتند. ایشان بر فعالیت رهبر فرهنگی دستگاه خلافت، یحیی بن اکثم نظارت داشتند و در مناظره و مکاتبه با وی، او را از انحراف خود آگاه می‌ساختند (منتظرالقائم، ۱۳۹۱: ۲۴۸). آن حضرت به هر گونه انحراف و غلو از سوی کارگزاران فرهنگی، واکنش نشان می‌دادند و غالیان منحرف را هدایت می‌کردند و اگر هدایت‌پذیر نبودند، آنان را لعن و نفرین و شیعیان را از ارتباط با آنان بر حذر می‌داشتند. مثلاً در سال ۲۳۲ ق. برای علی بن هلال نامه‌ای نوشتند و او را از وکالت عزل کردند (کشی، ۱۴۰۴: ۵۶۲، شماره ۹۹۱).

#### دیاگرام جریان‌های فکری-فرهنگی عصر امام هادی (ع)



جدول تاکتیک‌های اهل سنت و راهبردها و مهندسی فرهنگی امام هادی (ع) در مواجهه با ایشان

ردیف	تاکتیک‌های جریان فقهی اهل سنت در مقابل امام هادی (ع)	راهبردها و مهندسی فرهنگی امام هادی (ع) در مواجهه با اهل سنت	دستاورد راهبردها و مهندسی فرهنگی امام هادی (ع)
۱	طرح فضایل خلفای نخستین با تکیه بر احادیث نبوی	رد احادیث ضمن رعایت ملاحظات عاطفی و مذهبی	اثبات بی‌پایگی احادیثی که درباره فضایل خلفا بود و حفظ احترام به خلفای نخستین
۲	آموزش امام در کودکی برای همراهی او با جریان فکری دستگاه خلافت	اثبات اعلیت خود	وسعت دایره شیعیان
۳	تأکید بر صحیح بودن انتخاب خلیفه اول با تکیه بر اصل اجماع	استفاده از اصول مورد قبول طرف مقابل برای استدلال و گفت‌وگو فرهنگی	تفہیم مفهوم اجماع و رد تفسیر اهل سنت از آن
۴	استفاده از نیروهای قاطع و سرسخت در برخورد با امام	راهبرد تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها	گسترش قلمرو انسانی اثبات مقام امام
۵	تأکید بر برتری سه خلیفه اول نسبت به امام علی (ع)	تبیین مسئله امامت و رهبری / تربیت شاگردان و استعداد‌های علمی	اثبات حقانیت ائمه معرفی صحیح امام تفہیم مقام امامت در جامعه
۶	تأیید حکومت‌های حامی اهل سنت مثل عباسیان	تبیین اوصاف صاحبان حقیقی حکومت / عدم مخالفت آشکار نسبت به حکومت / تشویق یاران به نفوذ در دولت عباسی	اشاعه تفکر غاصب بودن خلفای عباسی و تضعیف مقام آنان در جامعه
	تمسک محض به حدیث	توجه به عقل در کنار نقل / تربیت راویان حدیث	معرفی آیین تشیع اصیل به عنوان مذهبی استدلال‌محور

	استفاده از منابع غیر حدیثی/ تربیت شاگردان نخبه و تقویت آنان در سایر بلاد		
گسترش مبحث علمی نگارش و ترجمه کتب گسترش قلمرو انسانی	تأکید بر نامه‌نگاری و مهندسی آن	مخالفت با نگارش و کتابت	۷
زدودن غبار تهمت از دامن امامیه برخورد قاطع با ناراستی‌های درون‌مذهبی	تطهیر و پاکسازی مذهب شیعه اصیل از انحرافات	یکسان قلمداد کردن شیعیان حقیقی با گروه‌هایی مانند غالیان و واقفیه و تبلیغ آن در جامعه	۸
روی گردانی نکردن از علوم جدید از بین بردن شبهات کلامی و فلسفی بین مسلمانان	بهره‌گیری از علم کلام در مهندسی فرهنگی	موضع سرسختانه در برابر کلام و فلسفه	۹
آماده کردن اذهان شیعیان برای غیبت حضرت مهدی (عج) رد تفسیر اهل سنت از این اندیشه محافظت از حضرت مهدی (عج) در مقابل حکام	تبیین مهندسی فرهنگی در قالب گفتمان وصایت و مهدویت	قلمداد کردن اندیشه مهدویت به عنوان موضوعی مربوط به آخرالزمان	۱۰
نشر فرهنگ اصیل اسلام توجه به کرسی‌های آزاداندیشی و بسط آن در جامعه زدودن شبهات از اذهان مردم تفهیم مفهوم امامت و رهبری	مشارکت در مناظره و پاسخ گویی به پرسش‌ها	طراحی جلسات پرسش و پاسخ به منظور سنجش توانایی‌های امام	۱۱

## نتیجه

در عصر امام هادی (ع) جریان‌ها و گرایش‌های گوناگون فکری و فرهنگی در جامعه اسلامی وجود داشت. آشنایی مسلمانان با علوم و فلسفه دیگر ملت‌ها از جمله یونان و وجود جریان‌های فکری-فرهنگی متنوع، ضرورت مواجهه امام با این گروه‌ها را ایجاب می‌کرد. به‌رغم همه محدودیت‌هایی که خلفا برای امام به وجود آوردند، ایشان با شناخت جامعه عصر خود، به‌دور از هرگونه تحریک و مخالفت آشکار با حکومت، به‌رد انحرافات فکری و شبهه‌های دینی پرداختند. امام به شکل هوشمندانه‌ای به معرفی اسلام و مذهب اصیل تشیع و مقوله امامت پرداخته، موضع‌گیری‌های سخت و قاطعی در برابر فرقه‌های منحرفی مانند غالیان از خود نشان دادند. راهبرد امام هادی (ع) برای مواجهه با اهل سنت، منطقی و بدون ایجاد حساسیت‌های مذهبی و با ارائه ادله و براهین عقلی بود؛ چنان‌که در مواقعی بزرگان اهل سنت ضمن اعتراف به برتری منطق امام، آن را مایه تقویت شیعیان و ضعف خود قلمداد می‌کردند. مهندسی فرهنگی امام در مواجهه با این گروه‌ها، همراه با رعایت ملاحظات عاطفی، اثبات اعلییت خود، استفاده از اصول مورد پذیرش طرف مقابل برای استدلال، تبیین جایگاه رهبری فرهنگی و مسئله رهبری و حکومت، پذیرش مناظره و پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات، تربیت کارگزاران مجتهد فرهنگی، کنترل و نظارت فرهنگی و... بود. بررسی سیره امام هادی (ع) می‌تواند راهبردهایی دقیق و علمی در حوزه تعامل با اهل سنت در اختیار پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی قرار دهد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. گروهی از اصحاب حدیث که به ظاهر احادیث استناد می‌کنند و از نظر اعتقادی قائل به جبر، تشبیه و تجسیم بودند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۲۳۹).
۲. از مذاهب کلامی اهل سنت.
۳. از مذاهب کلامی اهل سنت.

## منابع

قرآن کریم.

ابن‌بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۴۱۵). *عیون اخبار الرضا*، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.



- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب، قم: علامه.
- ابن عبدالبر نمری قرطبی (۱۴۲۱). جامع بیان العلم و فضله، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا) الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران: امیرکبیر.
- اربلی، علی بن عیسی (بی تا) کشف الغه فی معرفه الأئمه، تحقیق سید هاشم رسولی، تبریز: بی تا.
- آقانوری، علی (۱۳۸۷). امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۲). «احمد بن حنبل»، در دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ج ۶، ص ۷۱۸-۷۳۰.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۲). «اهل سنت و جماعت»، در دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی. چاپ اول، ج ۱۰، ص ۴۷۴-۴۷۵.
- حرانی، ابو محمد حسن بن علی ابن شعبه (۱۳۸۵) تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه صادق حسن زاده، قم: آل علی.
- حکیم، منذر؛ صالحی، عبدالرزاق (۱۳۸۵). پیشوایان هدایت (هادی امت؛ حضرت امام علی نقی)، ترجمه کاظم حاتمی طبری، قم: مجمع جهانی اهل بیت، ج ۱۲، چاپ اول.
- حیدر، اسد (۱۳۹۰). الامام الصادق و المذاهب الاربعه، اصفهان، مکتب الامام امیر المومنین علی (ع). خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). انسان ۲۵۰ ساله، گردآوری و تنظیم مرکز صهبا، تهران: موسسه جهادی، چاپ اول.
- دخیل، علی، محمد علی (۱۴۰۲). ائمتنا، بیروت: دارمکتبه الامام الرضا (ع).
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۶۴). الاخبار الطوال، ترجمه احمد مهدوی دامغانی، تهران: نشرنی.
- دیوید، فرد. آر (۱۳۹۴). مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارساییان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹). الخرائج و الجرائح، قم: موسسه امام مهدی.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۸). درآمدی بر علم کلام، قم: دارالفکر.
- ربانی، سید جعفر (۱۳۸۶). «نامه‌های امام هادی»، مجله فرهنگ کوثر، ش ۷۰.
- رفیعی، علی (۱۳۷۳). تحلیلی از تاریخ دوران دهمین خورشید امامت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم: چاپ دوم.
- شریف قرشی، باقر (۱۳۷۱). تحلیلی از زندگانی امام هادی (ع)، ترجمه محمد رضا عطایی، مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام.
- شیرازی ابواسحاق (بی تا). طبقات الفقهاء، تصحیح الشیخ خلیل المیس، بیروت: دارالقلم.
- صابری، حسین (۱۳۸۶). تاریخ فرق اسلامی، تهران: سمت، چاپ سوم.
- صدر، سید محمد (۱۴۱۲). تاریخ الغیبه، بیروت: دارالتعارف.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۷۲). الاحتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری، قم: نشر اسوه.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.

طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۰). *دولت عباسیان*، ترجمه حجت الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵). *رجال*، قم: موسسه نشر اسلامی.

العباد، عبدالمحسن؛ مودودی، ابوالاعلی (۱۳۸۷). *مصلح جهانی از دیدگاه شیعه و اهل سنت*، ترجمه و تحقیق سید هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.

علوی ابوالمعالی محمد الحسینی (بی تا). *بیان الادیان*، تصحیح عباس اقبال، تهران: انتشارات ابن سینا.

فاضل مقداد، ابن عبدالله (۱۳۴۳). *کنز العرفان فی فقه القرآن*، تهران: مرتضوی.

کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴). *اختیار معرفه الرجال*، قم: موسسه آل البیت.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۴). *اصول الکافی*، قم: اسوه.

لویس، برنارد، *امام هادی، در "تصویر امامان شیعه در دایره المعارف اسلام"*، ترجمه حسین مسعودی، قم: موسسه شیعه شناسی.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). *بحار الانوار*، بیروت: موسسه الوفاء.

مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۴). *مروج الذهب*، قم: دارالهجره.

مسعودی، علی بن الحسین (بی تا). *اثبات الوصیه*، نجف: مکتبه المرتضی.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). *کلیات علوم اسلامی ج ۲ (کلام، عرفان و حکمت عملی)*، تهران: صدرا، چاپ دوم.

منتظرالقائم اصغر (۱۳۹۱). *تاریخ امامت*، قم: ناشر دفتر نشر معارف، چاپ پنجم.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶). *رجال النجاشی*، قم: موسسه النشر الاسلامی.

نیاوردی، ابوالحسن (۱۳۹۳). *الاحکام السلطانیه و الولايات الدینییه*، قاهره: مکتبه مصطفی البابی الحلبی.

ودادی، احمد؛ دشتی رحمت آبادی، اعظم (۱۳۸۶). «مهندسی فرهنگی در جامعه اطلاعاتی»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، ش ۱۰-۱۱، ص ۳۴-۴۳.

ودادی، احمد؛ عباسعلی زاده، منصوره (۱۳۸۸). «هوش فرهنگی در مهندسی فرهنگی با توجه به عصر

جهانی شدن»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال چهارم، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۶۸-۷۵.

همایی جلال الدین (۱۳۷۵). *شعوبیه*، تهران: نشر مؤلف.